

گروه‌های مسلح فراملی و اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی

حسین خلف‌رضایی*

شناسه دیجیتال اسناد (DOI) : 10.22066/cilamag.2019.82491.1463

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

چکیده

حضور بازیگرانی غیر از دولت‌ها در نظم نوین جهانی، تهدیدها و فرصت‌های بسیاری را فراروی جوامع بشری و حقوق این جوامع قرار داده است. مقررات حقوق بشردوستانه عمدتاً بر پایه تقسیمات سیاسی و جغرافیایی کشورها بنا گذاشته شده است و همین امر، توصیف‌درگیری‌های فرامرزی بازیگران غیردولتی و واکنش‌های کشورهای خارجی در قلمرو دیگر کشورها را با مشکل مواجه می‌کند. در واقع چالش اصلی، نزاع‌های مسلحانه است که یک دولت در سرزمین تحت حاکمیت دولتی دیگر انجام می‌دهد. در نبود توصیفی روشن از این وضعیت، تعیین حقوق قابل اعمال میسر نخواهد بود. علاوه بر این، اجرای حق‌ها و تکالیف حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مورد گروه‌های مسلح فراملی نیز با توجه به وضعیت خاص آن‌ها با مشکلاتی همراه است. اقدامات نظامی فراسرزمینی دولت‌ها در مقابله با گروه‌های مسلح غیردولتی، برخی حقوق دانان و سیاستمداران را بر آن داشته تا از خلاً یا بی‌کفایتی حقوق مخاصمات مسلحانه فعلی سخن گفته و با بی‌توجهی نسبت به مقررات موجود، مرزهای بین‌المللی را درنوردند.

واژگان کلیدی

بازیگران غیردولتی، مخاصمات مسلحانه، گروه‌های مسلح فراملی، حقوق بشردوستانه، ماده ۳ مشترک

مقدمه

مقابله مسلحانه عوامل غیردولتی با طرف‌های دولتی به‌خودی‌خود، پدیدار جدیدی نیست اما چنین نزاع‌هایی در گذشته در بیشتر و بلکه در تمام موارد، در چارچوب جنگ‌ها و شورش‌های داخلی صورت می‌گرفت. از آنجا که حقوق بین‌الملل در دوره مدرن، میراث‌خوار دوران وستفالیایی است که در آن محوریت با دولت‌هاست، مقید کردن دولت‌ها در وضعیت‌هایی که در قلمرو سرزمینی آنان رخ می‌دهد با مقاومت شدید مواجه بوده است.^۱ مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز از این قاعده مستثنا نبوده‌اند، ضمن آنکه از عمر اسناد اصلی این حقوق، چندین دهه می‌گذرد. با این همه، حقوق بین‌الملل عام و حقوق بشردوستانه، مقرراتی راجع به شورشیان و مخاصمات مسلحانه داخلی وضع کرد. آنچه این نظام حقوقی را با چالش یا دست‌کم سؤالاتی جدی مواجه کرده است، نقش‌آفرینی بازیگرانی غیردولتی است که حضور و فعالیت خود را در حدود سرزمینی یک دولت محدود نکرده‌اند. اگرچه مبنای تقسیم‌بندی مخاصمات مسلحانه در حقوق بشردوستانه به‌صورت کلاسیک بر اساس طرف‌های درگیر و به بیان روشن‌تر، حضور دولت‌ها تعریف شده است، فعالیت برون‌مرزی این گروه‌ها و پافرانهادن دولت‌ها از قلمرو سرزمینی خود در واکنش به این درگیری‌ها، برخی را بر آن داشته تا از خلأ یا بی‌کفایتی حقوق فعلی سخن گفته و با این دستاویز، مرزهای بین‌المللی را درنوردند.

مفاهیم پایه‌ای حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جهت دربرگرفتن گستره‌ای فراگیرتر و تضمینات و حمایت‌هایی گسترده‌تر، با دگرگونی و توسعه تدریجی همراه بوده است. چنان‌که مفهوم نسبتاً مشخص «جنگ» به عنوان کلی «مخاصمه مسلحانه» مبدل شده^۲ و پس از آن، تقسیم‌بندی کلی مخاصمات به بین‌المللی، داخلی یا بین‌المللی شده نیز به مخاصمات بین‌المللی و غیربین‌المللی متحول شده است. به نظر می‌رسد چنین دسته‌بندی‌هایی صرفاً تغییر در تعابیر و الفاظ نبوده بلکه با تغییر شرایط جامعه بین‌المللی و بازیگران بین‌المللی همراه بوده است. با قدرت‌گیری فزاینده نیروهای مسلح غیردولتی، دیگر نمی‌توان آرمان حمایت و رعایت اصول اولیه انسانی را تنها در رفتار دولت‌ها انتظار داشت یا این تضمینات را در حیطه مرزهای جغرافیایی مشخص جستجو کرده و به رفتار در قلمرو سرزمینی دولت‌ها فروکاست. حضور گروه‌های مسلحی که اقدامات خود را در قلمرو جغرافیایی مشخصی یا دست‌کم در یک کشور خاص محصور نکرده‌اند، کفایت مقررات

۱. تفکیک جنگ به مثابه وضعیت بین‌الدولی از منازعات داخلی، و به همین ترتیب، تفکیک در قواعد حاکم بر آن‌ها و افراد درگیر در آن‌ها آشکارا نشان‌دهنده رویکرد حاکمیت‌محور (sovereignty-oriented) و نظم مبتنی بر همزیستی دولت‌های حاکم است که به‌جای پرداختن به دل‌مشغولی بشردوستانه و منافع جامعه بشری، بر مدار منافع فردی دولت‌ها سیر داشته است. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), *Prosecutor v. Tadić*, ICTY Case No. IT-94-1, Decision on the Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, Appeals Chamber, 2 October 1995, para. 96.

۲. ن.ک: مواد ۲ و ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹؛ ماده ۱ پروتکل اول الحاقی؛ و ماده ۱ پروتکل دوم الحاقی.

پیشین را با تردید مواجه کرده است. مسئله دیگر آن است که فارغ از آنکه این مقررات جوابگوی چنین وضعیتی باشد، چگونه می‌توان چنین گروه‌هایی را به رعایت این اصول و ارزش‌ها پایبند کرد؟ پرداختن به موضوع مخاصمات فرامری با گروه‌های مسلح غیردولتی^۳ بدون توجه به درگیری‌های گروه‌های تروریستی، دور از واقعیات جهان کنونی به نظر می‌رسد. علاوه بر ابهام مفهومی پدیده تروریسم، اینکه آیا می‌توان گروه تروریستی را «گروهی مسلح»^۴ تلقی کرد، یا اقدامات تروریستی می‌تواند تا آستانه مخاصمه مسلحانه پیش رفته و مآلاً تابع حقوق بشردوستانه قرار گیرد، از چالش‌های حقوقی است که تا کنون چندان مجال بروز در اسناد بین‌المللی نیافته است. این پژوهش به موضوع گروه‌های تروریستی و وضعیت مقابله با آن‌ها نمی‌پردازد اما به دلیل آنکه مصداق عمده‌ترین و چالش‌برانگیزترین منازعات مسلحانه با گروه‌های مسلح فراملی، پیکار با گروه‌های تروریستی است، این درگیری‌ها مورد توجه این پژوهش قرار می‌گیرد.

۱. وضعیت کنش‌گران غیردولتی در حقوق بشردوستانه بین‌المللی

۱-۱. شرایط شمول حقوق بشردوستانه نسبت به گروه‌های مسلح غیردولتی

از بازیگران یا گروه‌های غیردولتی که به‌طور خاص در مخاصمات مسلحانه مشارکت دارند، تعاریف مختلفی ارائه شده است. قطعنامه ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) شورای امنیت، «بازیگر غیردولتی» را چنین تعریف کرده است: «فرد یا موجودیتی که در انجام فعالیت‌هایی که در حدود این قطعنامه می‌گنجد، به‌موجب اختیاری قانونی از جانب یک دولت عمل نکرده است».^۵ جزء (ن) از ماده ۱ (تعاریف) کنوانسیون اتحادیه آفریقا راجع به حمایت و مساعدت از آوارگان داخلی در آفریقا (کنوانسیون کامپالا)^۶ مقرر داشته است: «بازیگران غیردولتی» به معنای فعالان (کنش‌گران) خصوصی است که مأمور عمومی دولت نیستند، از جمله گروه‌های مسلح دیگری که مستند به جزء (د) ماده ۱ مذکور^۷ هستند و آن‌ها که اعمالشان رسماً به یک دولت منتسب نمی‌شود».^۸

۳. القاعده، داعش و گروه‌های دیگری از این قبیل را می‌توان از مصادیق اخیر موضوع این پژوهش برشمرد؛ بدون آنکه بحث حاضر، به بررسی مصادیق مزبور اختصاص داشته باشد.

4. Armed Group

5. Non State Actor: "individual or entity, not acting under the lawful authority of any state in conducting activities which come within the scope of this resolution".

6. African Union, *African Union Convention for the Protection and Assistance of Internally Displaced Persons in Africa ("Kampala Convention")*, 22 October 2009.

۷. ظاهراً منظور کنوانسیون، بند (ه) از ماده ۱ است که اصطلاح «گروه‌های مسلح» (Armed Groups) را تعریف کرده و آن را به «نیروهای مسلح مخالف یا دیگر گروه‌های مسلح سازمان‌یافته که مجزا از نیروهای مسلح دولت هستند» ناظر دانسته است.

۸. برای آگاهی از دیگر تعاریف «کنش‌گران مسلح غیردولتی»، ن.ک:

Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, "Human Rights Obligations of Armed Non-State Actors: An Exploration of the Practice of the UN Human Rights Council", *ACADEMY IN-BRIEF*, No. 7, Geneva, December 2016, pp. 7-8.

ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو بیان می‌دارد که مقررات این ماده «در تمام مخاصمات مسلحانه‌ای که وصف بین‌المللی ندارند»، بر تمامی طرف‌های متخاصم الزامی خواهد بود و اعمال آن در چنین وضعیت‌هایی به هیچ روی به وضعیت حقوقی طرف‌های متخاصم بستگی نداشته و بر آن تأثیری نخواهد داشت. بنا به تصریح ماده ۳ مشترک، رعایت این ماده بر «هریک از طرف‌های متخاصم» الزامی است و به بیان دیگر، هرگاه گروه مسلح غیردولتی بتواند طرف یک متخاصم مسلحانه تلقی شود، همانند دولت متخاصم، مکلف به رعایت این مقرر خواهد بود. بنابراین، مسئله بعدی این خواهد بود که وقوع و احراز متخاصم مسلحانه در چه صورتی امکان‌پذیر است.

شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در رأی مشهور *تادیچ*، متخاصم مسلحانه را چنین تعریف کرده است: «متخاصم مسلحانه زمانی وجود دارد که میان دولت‌ها نیروی نظامی، یا خشونت نظامی مداوم بین نهادهای حکومتی و گروه‌های نظامی سازمان‌یافته، یا میان چنین گروه‌هایی درون دولت به کار بسته شود».^۹ بنابراین، برای احراز وضعیت متخاصم مسلحانه در جایی که گروهی غیردولتی طرف آن است، اولاً، باید چنین گروهی سازمان‌یافته (انتظام و برقراری روابط تشکیلاتی و فرماندهی) بوده و ثانیاً، شدت تخاصم به آستانه متخاصم مسلحانه برسد و به دیگر سخن، خشونت‌هایی که فاقد این دو مشخصه باشند، تنها در حد «شورش‌های سازمان‌نیافته و کوتاه‌مدت، یا اقدامات تروریستی هستند که موضوع حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیستند».^{۱۰}

در گذشته، اعمال تروریستی گروه‌های خصوصی به‌منزله متخاصم مسلحانه در نظر گرفته نمی‌شد.^{۱۱} به‌عنوان مثال، بریتانیا در زمان تصویب پروتکل اول اعلام کرد: «برداشت بریتانیا آن است که واژه «متخاصم مسلحانه» فی‌نفسه و در سیاق خودش به وضعیتی غیر از ارتکاب جرایم معمولی از جمله اعمال هماهنگ یا منفرد تروریستی دلالت دارد».^{۱۲} با چنین نگرشی در دعوای

9. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY), *Prosecutor v. Tadić*, ICTY Case No. IT-94-1, Decision on the Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, Appeals Chamber, 2 October 1995, para. 70.

10. ICTY, *Prosecutor v. Tadić*, ICTY Case No. IT-94-1, Judgement (Trial Chamber), 7 May 1997, para. 562.

این یافته با جزء (د) بند ۲ ماده ۸ اساسنامه رم قابل تطبیق است چون در رابطه با نقض‌های جدی، ماده ۳ مشترک (وفق جزء ج) مقرر شده اعلام داشته که «در مخاصماتی که ویژگی بین‌المللی ندارند اعمال می‌شود و در نتیجه، در وضعیت‌های آشوب و تنش‌های داخلی، مانند وضعیت‌های آشوب‌ها و تنش‌های داخلی، مانند اغتشاشات، اقدامات خشونت‌آمیز پراکنده و جداگانه یا اعمال دیگری از این دست اعمال نمی‌شود».

11. Green, Leslie C., *The Contemporary Law of Armed Conflict*, Manchester University Press, 2000, p. 56: “[A]cts of violence committed by private individuals or groups which are regarded as acts of terrorism [...] are outside the scope of ‘IHL’”.

12. *Reservation by the United Kingdom to Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 (Protocol I)*, 2 July 2002, available at: <http://www.icrc.org/ihl.nsf/NORM/0A9E03F0F2EE757CC1256402003FB6D2?OpenDocument>.

بوشکاسکی که مربوط به جرایم ارتكابی در مخاصمه‌ای میان نیروهای نظامی و گروهی غیردولتی (ارتش آزادی ملی آلبانی (NLA)) بود، خوانده با استناد به دعوی تادیج، با تروریستی خواندن اقدامات گروه یادشده، وجود مخاصمه مسلحانه را منتفی تلقی کرد.^{۱۳} دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق با رد این استدلال، شدت و تداوم خشونت، و سازمان‌یافتگی گروه مزبور را دلیلی بر وقوع مخاصمه مسلحانه ارزیابی^{۱۴} و اعلام کرد: «... مسئله آن است که آیا اعمال ارتكابی، جدا و منفرد بوده یا بخشی از یک نبرد مداوم بوده‌اند که موجب تعهدات هر دو طرف در درگیری‌ها می‌شوند. اینکه اعمال خشونت‌بار ارتكابی بتواند ماهیتاً تروریستی قلمداد بشود یا نه، موضوعیت ندارد».^{۱۵}

بند ۱ ماده ۱ پروتکل دوم، شروط نسبتاً سختگیرانه‌ای برای یک گروه که مشمول مقررات این پروتکل قرار می‌گیرد در نظر گرفته است. بر این اساس، این گروه باید تحت امر و مسئولیت فرمانده‌ای باشد و نوعی از کنترل را بر قلمرو سرزمینی یکی از دول عضو اعمال کند که قادر به انجام عملیات‌های نظامی هماهنگ و مداوم بوده و از پس ایفای تعهدات این پروتکل برآید. بر این اساس، بند ۲ مقرر مذكور، «وضعیت‌های آشوب‌ها و تنش‌های داخلی مانند اغتشاشات، اقدامات خشونت‌آمیز پراکنده یا جداگانه، و دیگر اعمال ماهیتاً مشابه که مخاصماتی مسلحانه نیستند» را از شمول مقررات خود استثنا کرده است.

همان‌طور که پیداست، یک گروه مسلح فراملی به‌ندرت ممکن است حائز شرایط فوق شود. به‌علاوه، بنا بر مقرر فوق، شرط اعمال این پروتکل آن است که مخاصمه در قلمرو سرزمینی یک دولت متعاهد و میان نیروهای مسلح آن دولت با یک گروه مسلح در گرفته باشد و در نتیجه، از درگیری‌هایی که میان یک دولت و گروه مسلحی فراملی در خاک دولتی ثالث اتفاق می‌افتد منصرف است. در تفسیر این مقرر گفته شده است که علت این قید، عدم تسری مقررات به دولت ثالث یعنی دولتی غیرمتعاهد است.^{۱۶} با این حال، به نظر می‌رسد به جهت گسترش شمول مقررات حمایت‌گرا نه این پروتکل، مناسب‌تر آن بود که دولت متعاهد در هر جا به رعایت مقررات پایبند دانسته می‌شد و این دولت ثالث بود که بر اساس اصل نسبی بودن، از رعایت مقررات قراردادی مستثنا می‌شد و نه آنکه دولت متعاهد در خارج از قلمرو سرزمینی خود از مقررات پذیرفته‌شده معاف تلقی شود. چنین امری در پرتو اصل نسبی بودن قراردادها قابل فهم نیست؛ چنان‌که به‌عنوان مثال، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رواندا (مواد ۱ و ۷)، مقررات پروتکل

13. ICTY, *Prosecutor v. Bošković, et al*, ICTY Case No. IT-04-82-T, Judgement (Trial Chamber), 10 July 2008, para. 184.

14. *Ibid.*, para. 292.

15. *Ibid.*, para. 185.

16. Sassòli, Marco, "Transnational Armed Groups and International Humanitarian Law", Program on Humanitarian Policy and Conflict Research, Harvard University, *Occasional Paper Series*, Winter 2006, No. 6, p. 13.

دوم را میان نیروهای مسلح رواندا و گروه‌های مسلح متخاصم در قلمرو دولت‌های همسایه نیز قابل اعمال دانسته است.

در مورد مخاصمات غیربین‌المللی، معیاری شفاف و به عبارت دقیق‌تر، جامع و مانع وجود ندارد اما در توصیف وضعیت مخاصمه مسلحانه، به‌طور کلی معیارهایی در نظر گرفته می‌شود؛ چنان‌که دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق، تأکید خاصی بر ویژگی تداوم نزاع و حدود سازمان‌یافتگی طرف‌ها داشته است.^{۱۷} محاکم ویژه کیفری بین‌المللی و کمیسیون بین‌امریکایی حقوق بشر نیز حداقلی از سازمان‌یافتگی را در مورد گروه مسلح، مدنظر قرار داده‌اند.^{۱۸} در هر حال، با توجه به اجمال ماده ۳ مشترک، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، دامنه اعمال این ماده را تا حد ممکن، گسترده دانسته است.^{۱۹}

در شرح و تفسیر جدید کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از کنوانسیون‌های ژنو که در سال ۲۰۱۶ منتشر شده، به تفاوت آستانه شکل‌گیری مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی در مقایسه با مخاصمات مسلحانه بین‌المللی پرداخته شده است. بر این اساس، هرگونه «توسل به نیروی مسلح میان دولت‌ها» کافی است تا حقوق بشردوستانه فوراً در آن رابطه حاکم شود اما بروز هر وضعیت خشونت‌آمیز در جایی که [دست‌کم یک] طرف متخاصم، دولت نیست، شرطی کافی نیست که موضوع به منزله مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی، تابع حقوق بشردوستانه شود؛ گو آنکه به‌صرف غیردولت‌بودن طرف [یا طرف‌های] متخاصم، مسئله از قلمرو مخاصمات مسلحانه بین‌المللی خارج می‌شود. این تفاوت به این خاطر است که دولت‌ها در مقایسه با روابط خارجی خود با دیگر دولت‌ها، تمایل بیشتری دارند که امور داخلی خود را در مقابل حقوق بین‌الملل، محفوظ نگه دارند و همین نگرانی راجع به حاکمیت دولت‌هاست که کمک می‌کند بتوان تفاوت سطح یا آستانه اعمال حقوق بشردوستانه را در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی دریافت.^{۲۰}

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در شروح و تفاسیری که بر کنوانسیون‌های ژنو تحت نظارت ژان پیکته در سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۰ انتشار داد، فهرستی از «معیارهای مناسب» برای ارزیابی قابلیت اعمال ماده ۳ مشترک را مطرح کرده بود که از این میان، در حال حاضر، برای ارزیابی وجود

17. See: ICTY, Decision on Jurisdiction, *Tadic*, Appeals Chamber, October 2, 1995, para. 70 (“protracted armed violence between governmental authorities and organized armed groups”).

18. Sassòli, *op. cit.*, p. 13.

جالب اینجاست که در نظر کمیسیون بین‌امریکایی حقوق بشر، تداوم مخاصمات آستانه‌ای، نقشی ناچیز یافته است به‌گونه‌ای که این کمیسیون، اعمال حقوق بشردوستانه را در مورد یک مخاصمه که دو روز به طول انجامیده باشد روا دانست.

Quoted in: *Ibid.*, p. 7.

19. Pictet, Jean S. (ed.), *The Geneva Conventions of 12 August 1949: Commentary, Fourth Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War*, Geneva, ICRC, 1958, p. 36 (“[T]he scope of application of the article must be as wide as possible”).

20. ICRC, *Commentary on the First Geneva Convention*, 2nd ed., Cambridge University Press, 2016, paras. 416-417.

مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی، به‌طور گسترده بر دو مورد تأکید می‌شود: اینکه [اولاً] خشونت لازم است به شدت خاصی رسیده و [ثانیاً] حداقل میان دو گروه یا طرف سازمان‌یافته باشد.^{۲۱}

۱-۲. مبنای الزام‌آور بودن حقوق بشردوستانه نسبت به بازیگران غیردولتی

شعبه تجدیدنظر دادگاه ویژه سیرالئون اعلام داشته است: «این مسئله امری حل‌شده است که تمام طرف‌های مخاصمه مسلحانه، اعم از دولت یا بازیگران غیردولتی، ملزم به رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی هستند، اگرچه تنها دولت‌ها می‌توانند طرف معاهدات بین‌المللی باشند».^{۲۲} بر همین اساس، شورای امنیت ملل متحد در قطعنامه‌های متعددی راجع به مخاصمات مسلحانه داخلی، بارها «طرف‌های متخاصم» را - که طبعاً گروه‌های مسلح غیردولتی را نیز در برمی‌گیرد - به رعایت حقوق بشردوستانه فراخوانده است. قطعنامه‌های مربوط به افغانستان، گینه بیسائو، سیرالئون، لیبیا، السالوادور، لیبی و سوریه از این موارد هستند.^{۲۳}

با این حال، در مورد علت الزام بازیگران غیردولتی به قواعد حقوق بشردوستانه، نظریات مختلفی ارائه شده است. یکی از این دلایل، حضور و فعالیت این بازیگران در قلمرو یک دولت متعاقد است. بر اساس اصل سرزمینی بودن قوانین یا دکترین «صلاحیت تقنینی»،^{۲۴} دولت با التزام به مقررات بین‌المللی، تمام اشخاص درون حاکمیتش را ملزم می‌کند.^{۲۵} فایده این نظریه، شمول حداکثری آن است اما ضعف آن، مسئله رضایت است؛ بدین معنا که اگر علت این صلاحیت، همان نمایندگی دولت از مردم باشد، نمی‌تواند در مورد گروه‌های معارض حکومت، دلیلی قانع‌کننده به شمار رود.^{۲۶} ضمن آنکه همان‌طور که قاعده ۱۳۹ از مجموعه مطالعاتی راجع به قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بیان کرده است: «هر طرف مخاصمه، متعهد به رعایت و تضمین (یا اطمینان از) رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط نیروهای مسلح و دیگر اشخاص یا گروه‌هایی است که در واقع طبق فرمان، هدایت یا کنترل او عمل می‌کنند».^{۲۷} بنابراین، دولت‌ها متعهد شده‌اند که هنجارها و قواعد حقوق بشردوستانه را از سوی نیروهای تحت کنترل خود رعایت و تضمین کنند. به دیگر سخن،

21. *Ibid.*, paras. 419, 421.

22. Special Court for Sierra Leone, *Prosecutor v. Sam Hinga Norman*, Case No. SCSL-2004-14-AR72(E), Decision on Preliminary Motion Based on Lack of Jurisdiction (Child Recruitment), 31 May 2004, para. 22.

23. توکلی طیبی، علی و فرنگیس منصوری؛ «تعهد و التزام متخاصمین به قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمه داخلی سوریه»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۸۱-۱۸۰.

24. The doctrine of legislative jurisdiction

25. Sivakumaran, S., "Binding Armed Opposition Groups", *International and Comparative Law Quarterly*, vol. 55, 2006, p. 381.

26. Ryngaert, Cedric, "Non-State Actors and International Humanitarian Law", *Katholieke Universiteit Leuven, The Institute for International Law, Working Paper*, 2008, p. 5.

27. Henckaerts, Jean-Marie and Doswald-Beck, Louise (eds.), *Customary International Humanitarian Law*, ICRC and Cambridge University Press, vol. I, 2005, reprint 2009, p. 495.

قلمرو شخصی تعهد مذکور به گروه‌های معارض و متخاصم با دولت تعمیم نمی‌یابد. نظریه دیگر در مورد منشأ الزام گروه‌های غیردولتی آن است که چون برخی گروه‌های مسلح در عمل بر بخشی از قلمرو سرزمینی دولت متعاهد کنترل دارند، در نتیجه، متحمل و جانشین تعهدات دولت می‌شوند.^{۲۸} اما اشکال این نظریه آن است که اولاً، تنها شامل برخی گروه‌های غیردولتی می‌شود یعنی آن‌ها که در بخشی از سرزمین اعمال اقتداراتی می‌کنند، و ثانیاً، این گزاره اساساً نمی‌تواند مستندی در حقوق بین‌الملل موجود بیابد زیرا حقوق مسئولیت بین‌المللی، مسئولیت گروه‌های شورشی را در شرایطی خاص از جمله پیروزی نهایی و تشکیل حکومت توسط آن‌ها پذیرفته است و البته این مسئولیت، منحصر به قواعد حقوق بشردوستانه نخواهد بود. به علاوه، ماده ۳ مشترک، کنترل سرزمینی را شرط لازم برای اعمال این مقررہ مطرح نکرده و پروتکل دوم الحاقی نیز آن را شرط کافی برای اعمال مقررات مربوطه در این پروتکل توسط گروه غیردولتی در نظر نگرفته است. نظریه دیگر آن است که معاهدات می‌توانند موجب تعهداتی بر طرف‌های ثالث شوند. البته این استدلال نیز به راحتی قابل خدشه است زیرا ماده ۳۵ عهدنامه وین حقوق معاهدات (۱۹۶۹) ناظر به معاهداتی است که میان دولت‌ها برقرار شده و طرف ثالث نیز در این رابطه الزاماً و صراحتاً یک دولت است که رضایت خود را به این تعهدات به صورت کتبی ابراز داشته است.

برخی دیگر از نویسندگان، راه‌حل این معما را در ویژگی الزامی حقوق بشردوستانه به سبب ریشه‌داربودن آن در حقوق عرفی بین‌المللی یا اصول کلی حقوق دانسته‌اند و به نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد عرفی‌بودن بسیاری از قواعد حقوق بشردوستانه استناد جسته‌اند. با این حال، به نظر نمی‌رسد حقوق بین‌الملل عرفی بتواند ایراد رضایت را برطرف ساخته یا اساساً بتواند الزامی بلافصل و بی‌واسطه را متوجه بازیگران غیردولتی کند. ضمن آنکه ادعا نشده که تمامی قواعد حقوق بشردوستانه، ویژگی عرفی داشته یا در زمره اصول کلی حقوقی هستند.^{۲۹} به علاوه، اصولاً حقوق عرفی، ساخته و پرداخته بازیگرانی است که در آن خصوص ذی‌نفع و علقه حقوقی وثیقی دارند، حال آنکه در مسئله مورد بحث، اراده و رضایت گروه‌های غیردولتی اساساً نادیده انگاشته شده است و به دیگر سخن، این گروه‌ها هیچ نقشی در پیدایش این قواعد نداشته‌اند. البته تکیه بیش از حد بر مقوله رضایت، دست‌کم در مورد برخی اصول بنیادین حقوق بشردوستانه نارواست، چنان‌که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه اعلام

28. *Ibid.*, p. 6.

در تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ گفته شده است: «تکلیف بر عهده طرف (Party) متخاصم که قدرتی مستقر را نمایندگی می‌کند، مسلم است [...] قدرت (authority) مسئولی که در رأس خود اقتدارات مؤثر حاکمیتی را اعمال می‌کند [نیز] به دلیل آنکه مدعی نمایندگی آن کشور یا پاره‌ای از آن است، ملزم [به رعایت مقررات] خواهد بود.» (Pictet, *op. cit.*, p. 37).

29. Ryngaert, *op. cit.*, p. 7.

می‌دارد: «دولت ایالات متحده به دلالت ماده ۱ کنوانسیون‌های ژنو، متعهد به «رعایت» کنوانسیون‌ها و «تضمین رعایت» آن‌ها «در هر شرایطی» است. گو آنکه این تعهد نه از صرف کنوانسیون‌ها بلکه از اصول کلی حقوق بشردوستانه که کنوانسیون‌ها تنها بیانگر آن بوده‌اند ناشی شده است».^{۳۰}

الزام برخی از این قواعد - و البته نه همه آن‌ها - را می‌توان در ویژگی امره این هنجارها یافت. قواعد یا قوانین امره، پدیداری برخاسته از وجدان جمعی جامعه بین‌المللی (اعم از آنکه ناشی از ضرورت‌های زیست مسالمت‌آمیز و قواعد مربوط به نظم عمومی بین‌المللی بوده، یا منبعث از ارزش‌ها، اصول و هنجارهای بنیادین حقوق بشری باشند) بوده که بر تمامی بازیگران بین‌المللی و بلکه افراد انسانی حاکم است. بنابراین، هرگاه رضایت بازیگران و تابعان اصلی حقوق بین‌الملل موجود تا بدین حد رنگ می‌بازد، نمی‌توان از معمای ناگشودنی رضایت بازیگرانی که شخصیت و هویت بین‌المللی باثباتی ندارند برآشفست. روی‌هم‌رفته نمی‌توان انکار کرد که هیچ‌یک از دلایل یادشده نمی‌تواند علت الزام کلیه قواعد حقوق بشردوستانه توسط گروه‌های مسلح غیردولتی (در تمام موارد آن) را در برداشته باشد.

۱-۳. طبقه‌بندی مخاصمات فرامرزی دولت‌ها و گروه‌های غیردولتی

در جایی که دولتی نیروهای مسلحش را خارج از قلمرو سرزمینی‌اش علیه گروهی غیردولتی به کار می‌گیرد، دو مسئله اساسی مطرح می‌شود: آیا این درگیری می‌تواند موجب وضعیت مخاصمه مسلحانه شود؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، چه حقوق و تکالیفی و به عبارت دیگر، کدام دسته از حقوق بشردوستانه قابل اعمال خواهد بود؟

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی، به وضعیت مخاصماتی غیربین‌المللی در قلمرو دولت متعاقد پرداخته‌اند،^{۳۱} اما در موضوع مورد بحث، عنصری بین‌المللی، یعنی مرزهای بین‌المللی (سرزمین دولت یا دولت‌های خارجی) وجود دارد. در نتیجه، عنصر اساسی در این پژوهش، بررسی تأثیر این عامل در دسته‌بندی مخاصمات و حقوق قابل اعمال است. بسیاری از نویسندگان، مخاصمات میان دولت و گروهی فراملی را (که شخصیتی بین‌المللی ندارد) مخاصمه‌ای غیربین‌المللی ارزیابی کرده‌اند. این حقوق‌دانان به عبارات ماده ۳ مشترک استناد کرده‌اند که وقوع مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی را حتی با حضور بیش از یک دولت، از شمول خود خارج

30. International Court of Justice (ICJ), *Military and Paramilitary Activities (Nicaragua/United States of America)*, Merits, ICJ Reports 1986, para. 220.

۳۱. ماده ۳ مشترک از «مخاصمه با ویژگی غیربین‌المللی که در سرزمین یکی از دول معظم متعاقد رخ می‌دهد» سخن می‌گوید، می‌گوید، و بند ۱ ماده ۱ پروتکل دوم الحاقی نیز مربوط به مخاصمه‌ای مسلحانه است «که در قلمرو یک دولت معظم متعاقد در گرفته است».

نکرده است. در این راستا گفته شده که توصیف مخاصمه به بین‌المللی یا غیربین‌المللی، به تبع شخصیت طرف‌های درگیر است و در فرض مورد بحث که نزاع میان یک دولت و گروهی غیردولتی است، مخاصمه ویژگی بین‌المللی نخواهد داشت. در مقابل، رهیافت دیگر، حاکی از توصیف مخاصمه با توجه به محل مخاصمه است و در نتیجه، مخاصمات فرامرزی یک دولت ولو با طرف متخاصم غیردولتی، جنبه بین‌المللی می‌یابد.^{۳۳} این دیدگاه که مخاصمه میان یک دولت با گروهی غیردولتی در قلمرو دولتی دیگر می‌تواند موجود وضعیت مخاصمه بین‌المللی شود، در رأی دیوان عالی اسرائیل قابل مشاهده است، آنجا که مخاصمه میان این رژیم و سازمان‌های فلسطینی از جمله حماس (که در این دیدگاه، گروه‌هایی غیردولتی تلقی می‌شوند) را ماهیتاً بین‌المللی تلقی کرده است.^{۳۳} این دیوان در سال ۲۰۰۵ یافته خود را بدین صورت مدلل کرد که هر مخاصمه‌ای که در چارچوب موقعیت‌های تحت اشغال متخاصم روی دهد، ماهیتاً بین‌المللی ارزیابی می‌شود. البته در این مسیر از نظر کسسه بهره گرفته است.^{۳۴} بر این اساس، مخاصمه‌ای که «مرزهای دولت را درنوردد»، اعم از اینکه محل وقوع مخاصمه مسلحانه تحت اشغال متخاصم باشد یا خیر، بین‌المللی خواهد بود.^{۳۵} در مقابل، یافته دیوان عالی ایالات متحده را در دعوی حمدان می‌توان مؤیدی بر غیربین‌المللی بودن مخاصمه فرامرزی این کشور با القاعده تلقی کرد؛ چنان‌که در این قضیه گفته شد که هر مخاصمه مسلحانه‌ای که «دربرگیرنده نزاعی میان کشورها نباشد» وصف بین‌المللی ندارد.^{۳۶}

گفتنی است که مواد ۱ و ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رواندا، صلاحیت این دیوان را در خصوص اعمال حقوق مخاصمات غیربین‌المللی به کشورهای همسایه نیز تعمیم داده است. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که ممکن است یک مخاصمه، هرچند از مرزها فراتر برود، غیربین‌المللی قلمداد شود. با این اوصاف، مخاصمه میان یک یا چند دولت با یک گروه مسلح فرامرزی می‌تواند تحت شمول مخاصمات غیربین‌المللی ارزیابی شود زیرا وجه ممیز مخاصمات بین‌المللی از غیر آن بر اساس طرف‌های درگیر صورت می‌گیرد و نه دامنه و قلمرو سرزمینی

32. For more information see: Akande, Dapo, "Are Extraterritorial Armed Conflicts with Non-State Groups International or Non-International?", at: <http://www.ejiltalk.org/are-extraterritorial-armed-conflicts-with-non-state-groups-international-or-non-international> (Published on October 18, 2011).

33. See: e.g. *Public Committee against Torture in Israel v. Government of Israel*, Supreme Court of Israel, HCJ 769/02, 11 December 2005 ("Targeted Killings Judgement"); *A v. the State of Israel*, Supreme Court of Israel, CrimA 6659/06, 1757/07, 8228/07, 3261/08, 11 June 2008.

34. Cassese, Antonio, *International Law*, Oxford University Press, 2nd ed., 2005, p. 420.

از نظر او: «مخاصمه مسلحانه‌ای که میان قدرتی اشغالگر و گروه‌های شورشی یا محارب در قلمرو اشغالی صورت می‌گیرد، اعم از اینکه ماهیتاً تروریستی باشد یا نباشد، مخاصمه مسلحانه بین‌المللی است».

35. Supreme Court of Israel, *Public Committee against Torture in Israel v. Government of Israel*, HCJ 769/02, 11 December 2005, para. 18.

36. US Supreme Court, *Hamdan v. Rumsfeld, Secretary of Defense, et al.*, 548 U.S. 557, 2006, p. 67.

درگیری.^{۳۷} البته با پذیرش وصف غیربین‌المللی یک مخاصمه، راه برای اعمال ماده ۳ مشترک گشوده می‌شود اما پروتکل دوم الحاقی، اقتضائات و شرایطی فراتر از این امر را پیش‌بینی کرده است. صرف‌نظر از شرایط مقرر برای طرف متخاصم غیردولتی، ظاهر بند ۱ ماده ۱ این پروتکل بیانگر آن است که اعمال این پروتکل، محدود به مخاصماتی است «که در سرزمین یکی از طرف‌های معظم متعاقد میان نیروهای مسلح آن [دولت] و نیروهای مسلح مخالف یا دیگر گروه‌های مسلح سازمان‌یافته رخ می‌دهد». در نتیجه، درگیری‌های فرامرزی دولت با گروه مسلح غیردولتی، خارج از شمول این پروتکل قرار می‌گیرد.^{۳۸}

علاوه بر مطالب فوق، ماهیت تروریستی گروه‌های متخاصم نیز نمی‌تواند دلیلی بر عدم رعایت حقوق بشردوستانه تلقی شود.^{۳۹} چه اینکه این نظام حقوقی به چنین رفتاری نیز توجه داشته است و هرگونه اقدام تروریستی و به‌ویژه حمله علیه غیرنظامیان و تهاجم یا تهدید به خشونت با قصد اصلی گسترش رعب و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی^{۴۰} و حملات کور^{۴۱} را چه در مخاصمات داخلی و چه بین‌المللی منع کرده است. بدیهی است که مقررات حقوق بشردوستانه همان‌گونه که ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی بر این قبیل گروه‌ها تحمیل می‌کند، حقوقی نیز برای آنان در مقابل دشمن به رسمیت می‌شناسد. با این حال، قبول برخورداری چنین

37. Sassòli, *op. cit.*, p. 9.

38. Bellal, Annysa; Giacca, Gilles and Casey-Maslen, Stuart, "International Law and Armed Non-state Actors in Afghanistan", *International Review of the Red Cross*, vol. 93, No. 881, March 2011, p. 60.

۳۹. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اعمال تروریستی و خرابکارانه در کنار برخی دیگر از جرایم عمومی مانند راهزنی یا درگیری‌های مسلحانه موقتی به‌عنوان مصادیقی برشمرده شده‌اند که به‌خودی‌خود و علی‌القاعده نمی‌توانند به آستانه مخاصمه مسلحانه که شرط شمول حقوق بشردوستانه است، برسند. بنابراین، این گفته بدین معنا نیست که هرگاه شرایط وقوع مخاصمه‌ای مسلحانه احراز شود، ماهیت تروریستی طرف متخاصم، مبنایی برای تنازل از حقوق بشردوستانه انگاشته شود. بر این اساس، گروه‌های تروریستی، تافته‌ای جداافتاده از مقررات مربوط به حقوق مخاصمات مسلحانه نخواهند بود. با این حال، به دلیل پرداختن شدن این مسئله در سال‌های اخیر، پرداختن به موضوع رعایت حقوق بشر و بشردوستانه در مقابله با گروه‌های تروریستی، در مجامع بین‌المللی از جمله شورای امنیت ملل متحد، جنبه‌ای مؤکد یافت، بدون آنکه بتوان قائل به توسعه حقوق بین‌الملل در این رابطه شد. چنانکه به‌عنوان مثال، رعایت حقوق بشردوستانه نسبت به «جنگجویان تروریست خارجی» (foreign terrorist fighters) به کلیدواژه اصلی قطعنامه شماره ۲۱۷۸ (۲۰۱۴) شورای امنیت مبدل شده است. این بدان معنا نیست که اشخاصی که با تابعیت خارجی مرتکب اقدامات تروریستی می‌شوند، به‌خودی‌خود بتوانند مشمول قواعد حقوق بشردوستانه قرار گیرند بلکه این اشخاص نه منفرداً بلکه به دلیل مشارکت و فعالیت در گروه تروریستی درگیر در مخاصمه مسلحانه (مانند داعش) ممکن است چنین وضعیتی پیدا کنند و اتفاقاً شورای امنیت در مقدمه این قطعنامه، نگرانی شدید و هشدار خود را ابراز داشته از اینکه کسانی به‌صرف عزم سفر [برای پیوستن]، جنگجوی تروریست خارجی قلمداد شوند. ن.ک:

UN Security Council, *Security Council resolution 2178 (2014)*, preambular paragraphs 9 and 10. See also: The Counter-Terrorism Committee Executive Directorate (CTED), compilation of three reports (S/2015/338; S/2015/683; S/2015/975): *Implementation of Security Council resolution 2178 (2014) by States affected by foreign terrorist fighters*, 2015.

۴۰. ن.ک. ماده ۵۱(۲) پروتکل اول و ماده ۱۳(۲) پروتکل دوم الحاقی.

۴۱. ن.ک. بندهای ۴ و ۵ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی.

گروه‌هایی از یک سری حقوق با مشکلات بیشتری مواجه است. البته این مسئله با توجه به نوع مخاصمه یکسان نیست.

۲. حقوق بشردوستانه قابل اعمال در مخاصمات گروه‌های مسلح غیردولتی

۱-۲. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو

همان‌طور که اشاره شد، حقوق قابل اعمال، تابعی از نوع مخاصمه است. در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، رزمندگان از حق مشارکت در مخاصمه^{۴۲} برخوردارند و نمی‌توان آن‌ها را به‌صرف مشارکت در مخاصمه مجازات کرد. این دسته از افراد، اهداف مشروع نظامی هستند و می‌توان آن‌ها را تا زمانی که از این وضعیت به درآیند،^{۴۳} هدف قرارداد؛ هر زمان که در اختیار دشمن قرار گیرند، وضعیت اسیر جنگی پیدا می‌کنند و مشمول حمایت‌های کنوانسیون سوم ژنو هستند. در مقابل، غیرنظامیان از حمایت‌های کنوانسیون چهارم بهره‌مند بوده اما حق مشارکت در مخاصمه را ندارند.

ماده ۴ کنوانسیون سوم، اسرای جنگی و به دلالت تضمینی، رزمندگان را تعریف کرده است. هرچند نمی‌توان اعضای گروه مسلح فراملی را بر اساس جزءهای ۱ و ۳ بند (الف) ماده ۴ کنوانسیون سوم، عضو نیروهای منظم دولت تلقی کرد، ممکن است در زمره «دیگر نیروهای شبه‌نظامی یا نیروهای مقاومت مردمی... از جمله جریانات مقاومت متعلق به یک (دولت) طرف مخاصمه» قرار گیرند که در جزء ۲ مقرر فوق ذکر شده است. البته مقرر اخیر تکالیفی بر این گروه‌ها در نظر گرفته است از جمله اینکه خود را از جمعیت غیرنظامی مجزا و قوانین جنگی را رعایت کنند.^{۴۴} در موارد شک در خصوص افرادی که اقداماتی خصمانه از خود نشان داده‌اند، بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون سوم اشعار داشته است که با اینها «تا زمانی که وضعیت آنان توسط محکمه‌ای صلاحیت‌دار مشخص شود»، به‌منزله اسیر جنگی رفتار می‌شود.^{۴۵}

42. "[T]he right to participate directly in hostilities" (Article 43 (2) of Additional Protocol I).

43. *Hors de combat*

44. ن.ک: جزء ۲ بند (الف) ماده ۴ کنوانسیون سوم ژنو.

45. نخستین پاراگراف ماده ۴ کنوانسیون چهارم بدین قرار است: «اشخاصی که تحت حمایت این کنوانسیون هستند کسانی هستند که در زمان مورد نظر و به هر طریق، در وضعیت مخاصمه یا اشغال، خود را در دست طرفی از مخاصمه یا قدرتی اشغالی می‌بینند که تابعیت آن را ندارند». طبق پاراگراف چهارم از این ماده، اشخاصی که تحت حمایت کنوانسیون سوم هستند، «نباید اشخاص مورد حمایت در قالب کنوانسیون حاضر قلمداد شوند». این مقرر بدین معناست که هرکس (که شرایط اشخاص حمایت‌شده را داشته باشد) و مشمول حمایت کنوانسیون سوم نباشد، لاجرم در قلمرو کنوانسیون چهارم قرار می‌گیرد.

۲-۲. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو

با توجه به الحاق قریب به اتفاق کشورها به کنوانسیون‌های ژنو و ماهیت قواعد مندرج در این اسناد می‌توان گفت که بسیاری از مقررات این کنوانسیون‌ها در زمره حقوق بین‌الملل عام قرار گرفته‌اند. برخی از این مقررات از چنان اهمیت بنیادین و غیرقابل عدولی برخوردارند که از جمله ملاحظات اولیه انسانی تلقی می‌شوند که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو آن‌ها را دارای ویژگی آمره دانسته است. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو از چنین خصوصیتی برخوردار است که علاوه بر عرفی بودن مقررات آن، می‌تواند بیانگر قواعد آمره نیز به شمار آید.^{۴۶}

جهت اجرای ماده ۳ مشترک، در وهله نخست لازم است که «مخاصمه‌ای مسلحانه که فاقد ویژگی بین‌المللی است در قلمرو یکی از دول معظم متعاهد رخ داده باشد». طبق رویه قضایی بین‌المللی، به‌ویژه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، وقوع مخاصمه مسلحانه داخلی مستلزم وجود دو شرط است: تداوم خشونت نظامی (یا خشونت نظامی دامنه‌دار)^{۴۷} و داشتن درجه‌ای از سازمان‌یافتگی در مورد کنش‌گری غیردولتی که بتواند طرف مخاصمه تلقی شود.^{۴۸} اما همان‌گونه که در مبحث آتی خواهد آمد، این شروط با تفسیر موسع و شمول حداکثری که غایت ماده ۳ مشترک است، همخوانی ندارد و می‌بایست این شرایط را از عوامل مقوم مخاصمات داخلی مشمول پروتکل دوم الحاقی به شمار آورد. در این راستا، رأی دیوان عالی ایالات متحده در قضیه حمل/ن^{۴۹} درخور تأمل است.

دیوان عالی امریکا در قضیه مزبور به قابلیت اعمال ماده ۳ مشترک در خصوص محاکمه افرادی که طی درگیری میان این کشور و القاعده در افغانستان دستگیر شده‌اند، اذعان داشته و اعلام کرده است که ماده ۳ مشترک در خصوص آن مخاصمه اجرا می‌شود.^{۵۰} این دیوان اعلام کرد که ماده ۳ مشترک در مورد بازداشت‌شدگان القاعده اجرا می‌شود. البته می‌توان از این گزاره دو خوانش داشت. یکی آنکه دلیل این گفته آن است که وضعیت مربوطه، مخاصمه غیربین‌المللی تلقی شده است. دیگر آنکه این دیوان، ماده ۳ مشترک را مقرره‌ای حداقلی در مخاصمات مسلحانه ارزیابی کرده

۴۶. ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبریان؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مخاصمات مسلحانه داخلی، میزان، ۱۳۸۴، صص ۴۲-۴۱ و ۴۴.

47. See: ICTY, 1995, para. 70. (By 'protracted' is meant particularly the intensity of the armed violence and not merely its duration, the ordinary meaning of the word notwithstanding.)

48. C.f. *Ibid.*, ICTY, *Prosecutor v. Delalic*, Case No. IT-96-21-T, Judgment, 16 November, 1998, para. 184; and ICTR, *Prosecutor v. Akayesu*, Case No. ICTR-96-4-T, Judgment, 2 September 1998, para. 619. See also: International Law Association, Use of Force Committee, "Final Report on the Meaning of Armed Conflict in International Law", 2010, pp. 28-33, available at: www.rulac.org/assets/downloads/ILA_report_armed_conflict_2010.pdf.

49. See: *Hamdan v. Rumsfeld, Secretary of Defense, et al.*, 548 U.S. 557 (2006) ("Hamdan case").

50. Jadarjian, Dayana, *International Humanitarian Law's Applicability to Armed Non-State Actors*, Graduate Paper, University of Stockholm, 2007, p. 43.

است.^{۵۱} دولت امریکا در نزد این دیوان بر آن بود که درگیری این کشور با القاعده امری مجزا از مخاصمه‌ای است که با افغانستان داشته و آنکه این درگیری اساساً مخاصمه‌ای نیست که مقررات کامل ژنو در مورد آن قابل اعمال باشد. این دیوان در پاسخ اظهار داشته است: «ما نیازی به تصمیم‌گیری راجع به ماهیت این استدلال نداریم زیرا در اینجا دست‌کم یک مقرر از کنوانسیون‌های ژنو اعمال می‌شود ولو مخاصمه مربوطه میان امضاکنندگان [طرف‌های کنوانسیون‌ها] نیست».^{۵۲}

مسئله اینجا است که از یک‌سو، ماده ۳ مشترک در مورد «مخاصمات مسلحانه‌ای است که وصف بین‌المللی ندارند» و ماده ۱ پروتکل دوم مربوط به مخاصمات مسلحانه‌ای است که با ماده ۱ پروتکل اول پوشش داده نمی‌شوند.^{۵۳} در نتیجه باید پذیرفت که هر مخاصمه مسلحانه‌ای که بین‌المللی نباشد، ناگزیر غیربین‌المللی است. از سوی دیگر، ماده ۳ مشترک، ناظر به مخاصماتی است که «در قلمرو سرزمینی یکی از دول معظم متعاهد روی می‌دهد» و ماده ۱ پروتکل دوم نیز به مخاصماتی می‌پردازد که «در سرزمین یکی از طرف‌های معظم متعاهد صورت می‌پذیرد». بنابراین باید نتیجه گرفت که مفاد این معاهدات، تنها بر دول متعاهد لازم‌الاجراست. حال اگر گفته شود که مخاصمات فراسرزمینی دولت‌ها با گروه‌های معارض، مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی نیست، به جهت نگرانی‌های حاکمیتی دولت‌ها، خلأیی در حمایت‌های حقوق بشر دوستانه ایجاد می‌شود و معلوم نیست چرا قربانیان این درگیری‌ها باید از تضمینات کمتری نسبت به مخاصماتی که درون یک کشور رخ می‌دهد برخوردار باشند.^{۵۴}

با بهره‌گیری از تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از ماده ۳ مشترک (که پیش‌تر ذکر شد) می‌توان گفت که ماده ۳ مشترک، تمام مخاصماتی را که ویژگی بین‌المللی (از منظر هویت طرف‌های درگیر) ندارند و از طرفی در قلمرو سرزمینی یک دولت متعاهد درمی‌گیرند (اعم از آنکه طرف مخاصمه دولت سرزمینی باشد یا خیر) ناگزیر در چتر حمایتی ماده ۳ مشترک قرار می‌دهد.

۲-۳. پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو

بر اساس پاراگراف ۱ ماده ۱، این پروتکل شامل تمام مخاصمات مسلحانه‌ای است که در قلمرو یکی از دول متعاهد، میان نیروهای مسلح آن دولت و نیروهای مسلح معارض یا دیگر گروه‌های

51. See: ICJ, 1986, *op. cit.*, para. 218. (“[T]hese rules also constitute a minimum yardstick...”).

52. US Supreme Court, *Hamdan v. Rumsfeld, Secretary of Defense, et al.*, 548 U.S. 557 (2006), p. 66.

53. ن.ک: بند ۱ ماده ۱ پروتکل دوم الحاقی که اشعار می‌دارد: «این پروتکل در تمام مخاصمات مسلحانه‌ای که در قلمرو سرزمینی یک طرف معظم متعاهد میان نیروهای مسلح آن [کشور] و نیروهای مخالف یا دیگر گروه‌های نظامی سازمان‌یافته روی می‌دهند که تحت شمول [پروتکل اول الحاقی] قرار نمی‌گیرند اعمال می‌شود». (تأکید از نویسنده است.)

54. Sassòli, *op. cit.*, p. 9.

نظامی سازمان‌یافته تحت امر فرماندهی مسئول،^{۵۵} چنان کنترلی بر بخشی از آن سرزمین دارند که قادرند عملیات هماهنگ و مداومی^{۵۶} صورت داده و این پروتکل را اعمال کنند.^{۵۷} بر این اساس، پروتکل دوم الحاقی شرایط دقیق‌تر و در عین حال، سختگیرانه‌تری از ماده ۳ مشترک را در مورد اعمال مقررات خاص مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی مقرر کرده است.^{۵۸} با حصول شرایط یادشده، مقررات پروتکل، «بی‌درنگ و خودبه‌خود»، صرف‌نظر از دیدگاه طرف‌های درگیر قابل اعمال خواهد بود.^{۵۹}

پروتکل دوم از حیث قلمرو اجرایی از آستانه‌ای بالاتر از ماده ۳ مشترک برخوردار است. ماده ۳ در هر مخاصمه‌ای که ویژگی بین‌المللی نداشته باشد قابل اعمال است. در نتیجه، تا زمانی که شروط فوق محقق نشده باشد و به اصطلاح پروتکل دوم به آستانه اجرایی‌اش نرسیده باشد، ماده ۳ مشترک بر آن مخاصمه حاکم خواهد بود. این رهیافت را می‌توان از بند ۱ ماده ۱ پروتکل الحاقی دوم با تصریح به اینکه این پروتکل، ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ را «توسعه داده و تکمیل می‌کند» برداشت کرد. بنابراین، معیار «طول مدت» درگیری که مورد توجه محاکم بین‌المللی در مورد مخاصمات داخلی قرار گرفته است نیز شرط اجرای ماده ۳ مشترک نیست و به‌طور کلی، ماده ۳ مشترک، هیچ شرط یا تعریفی از مخاصمه غیربین‌المللی به دست نداده و تمام وضعیت‌های جنگی مشمول آن هستند از جمله درگیری دو یا چند گروه یاغی که بدون مداخله حکومت در حال نزاع هستند. این تفسیر به تأیید کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و علمای حقوق نیز رسیده است.^{۶۰}

۵۵. وجود «فرماندهی مسئول» (Responsible command) به این معناست که گروه از ساختارها و تشکیلاتی برای تعیین اختیارات (وظایف) و مسئولیت‌ها برخوردار باشد. ن.ک:

Bellal, *et al.*, *op. cit.*, p. 11.

۵۶. منظور از «عملیات هماهنگ و مداوم» (sustained and concerted military operations)، عملیات برنامه‌ریزی‌شده و به عبارت دیگر، اجراشده طبق برنامه است. (*Ibid.*, p. 12.)

۵۷. بدیهی است که قابلیت و ظرفیت اعمال مقررات پروتکل، امری مجزا از رعایت و اجرای بالفعل آن مقررات است. در واقع، اگر یکی از شرایط اعمال مقررات، اجرای آن‌ها باشد، دور منطقی ایجاد خواهد شد. اما برخی از لزوم تمایل و اراده طرف درگیر به اعمال یا التزام به مقررات سخن گفته‌اند که به نظر می‌رسد با منطق اصلی این مقررات، که الزام طرف‌های درگیر است همخوانی ندارد. برای دیدن نظر مخالف، ن.ک:

Cassese, Antonio, *International Law*, Oxford University Press, 2nd ed., 2005, p. 428.

۵۸. شایان ذکر است که پروتکل دوم به‌خلاف کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل اول الحاقی، الزام صریحی در مورد «رعایت و اطمینان از رعایت» مقررات خود ندارد.

۵۹. Sandoz, Yves, *et al.*, (eds), *Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949*, ICRC, Geneva/Martinus Nijhoff Publishers, Dordrecht, 1987, p. 1353.

۶۰. ممتاز و رنجبریان؛ همان، صص ۸۹-۹۰.

۲-۴. قواعد عرفی قابل اعمال در مخاصمات بازیگران غیردولتی

حقوق عرفی نقش بسیار مهمی در نظم حقوق بین‌الملل فعلی ایفا می‌کند؛ چنان‌که بسیاری از مقررات حقوق بشردوستانه از چنین ویژگی برخوردارند. بر اساس مطالعه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۴۱ قاعده عرفی در هر مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی قابل اجراست.^{۶۱} به بیان دیگر، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، اغلب قواعد عرفی حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی را با همان ویژگی در حوزه مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی نیز صادق دانسته است.

مقررات ماده ۳ مشترک به مثابه قانون اساسی مخاصمات غیربین‌المللی، قواعدی عرفی تلقی می‌شود که متخاصمین باید آن را رعایت کنند و بلکه به تعبیر دیوان بین‌المللی دادگستری، این مقررات در زمره اصول و «ملاحظات اولیه انسانی»^{۶۲} است که فراتر از شروط معاهداتی الزام‌آور است.^{۶۳} دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق بر همین مبنا اعلام کرد که این مقررات برآیند «قواعد الزامی اولیه»^{۶۴} است و در خصوص آن، «وصف مخاصمه موضوعیت ندارد».^{۶۵}

به همین ترتیب، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در برخی موارد، دولت‌هایی را که به پروتکل دوم الحاقی نپیوسته‌اند به رعایت قواعد و اصول این سند فراخوانده است. این دولت‌ها مدعی عدم الزام به جهت نداشتن رابطه معاهداتی نشده‌اند و از چنین وضعیتی می‌توان ماهیت عرفی و عام‌الشمول این قواعد را استنباط کرد.^{۶۶} رویه شمار زیادی از کشورها نیز حاکی از آن است که بسیاری مقررات پروتکل دوم در سطح جهانی به‌عنوان اصولی مقبول و معمول شناخته شده‌اند و در نتیجه برای دولت‌های غیرمتعاهد و گروه‌های غیردولتی نیز الزام‌آورند.^{۶۷}

شرط *مارتنس*،^{۶۸} قاعده‌ای دیرپا در نظام حقوق بشردوستانه است که نخستین بار در مقدمه کنوانسیون دوم لاهه ۱۸۹۹ راجع به قوانین و رسوم جنگ زمینی درج شد و مقرر می‌داشت که در نبود مقررات معاهداتی، «مردم و رزمندگان تحت حمایت و حاکمیت اصول حقوق بین‌الملل منتج از عرف‌های مقرر میان ملل متمدن، قوانین انسانیت و اقتضائات وجدان عمومی هستند». این قاعده

61. For a list of customary international law applicable in non-international armed conflicts, see: <http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/home>.

62. "Elementary Considerations of Humanity"

63. ICJ, 1986, *op. cit.*, para. 218.

64. "Minimum Mandatory Rules"

65. ICTY, 1995, *op. cit.*, para. 102.

66. ممتاز و رنجبریان؛ همان، ص ۵۶.

67. International Commission of Inquiry on Darfur, *Report of the International Commission of Inquiry on Darfur to the United Nations Secretary-General*, Geneva, 25 January 2005, para. 158.

گفتنی است که برخی کشورها در کتابچه‌های راهنمای نظامی که در اختیار نیروهای مسلح آن‌ها قرار می‌گیرد، اشعار داشته‌اند که بخش عمده‌ای از حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مخاصمات داخلی نیز اعمال می‌شود. ن.ک:

Ibid., para. 159.

68. Martens Clause

که بیانگر لزوم رعایت ملاحظات انسانی و عرف‌های مقبول وجدان بشری و ملل متمدن است، بنا به یافته دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶) خود نیز وضعیتی عرفی یافته است.^{۶۹}

۳. اجرای حقوق بشردوستانه در مخاصمات گروه‌های مسلح فراملی؛ موانع و راهکارها

۳-۱. موانع رعایت و تضمین حقوق بشردوستانه در مخاصمات گروه‌های مسلح فراملی

اگرچه غایت حقوق بشردوستانه، جلوگیری از توحش و بی‌پروایی در مخاصمات و گسترش هرچه‌تمام‌تر حمایت از اشخاص، اموال و اماکنی است که در معرض آتش مخاصمه قرار می‌گیرند، بدیهی است که بر سر این راه دشواری‌های بسیاری وجود دارد، به‌ویژه در مورد گروه‌های غیردولتی که به‌طور معمول از ابزارهای قدرت کمتری برخوردارند. می‌توان برخی از این موانع را در چارچوب قوانین و مقررات موجود ملاحظه کرد. از مهم‌ترین موانع حقوقی تضمین حقوق بشردوستانه در مخاصمات گروه‌های غیردولتی می‌توان به نبود معاهدات راجع به وضعیت مخاصمات مسلحانه فراملی با گروه‌های غیردولتی، عدم امکان انعقاد معاهدات بین‌المللی میان دولت‌ها و گروه‌های غیردولتی (به جهت فقدان شخصیت بین‌المللی گروه‌های غیردولتی) و مشخص نبودن آستانه لازم برای اعمال حقوق بشردوستانه در این‌گونه مخاصمات^{۷۰} اشاره داشت.

در کنار کاستی‌های قانونی،^{۷۱} برخی موانع غیرحقوقی و اجرایی نیز به‌شدت بر این کاستی حمایتی افزوده‌اند. از عوامل و مواردی که تضمین حقوق بشردوستانه در مخاصمات گروه‌های غیردولتی را در عمل با مشکل مواجه کرده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ویژگی‌های خاص و تنوع گروه‌های غیردولتی، نوع تعاملات اعضای گروه از حیث کنترل

۶۹. شفیعی بافتی، نگین و سیدعلی هنجنی؛ *ابعاد حقوقی بین‌المللی مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی*، میزان، ۱۳۹۲، ص ۱۳۴.

۷۰. Mack, Michelle L., "Compliance with International Humanitarian Law by Non-State Actors in Non-International Armed Conflicts", *Program on Humanitarian Policy and Conflict Research*, Harvard University, Working Paper, November 2003, p. 2.

۷۱. به‌عنوان مثال، در حقوق مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، برخلاف نظام جامع و مستحکم پیش‌بینی‌شده در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، قواعد بسیار کمتری در مورد حمایت از اشخاص بازداشت‌شده و محروم از آزادی به دلایل مرتبط با مخاصمات مسلحانه وجود دارد؛ چه اینکه در ماده ۳ مشترک، قواعد مشخص و روشنی راجع به دلایل و فرایند بازداشت دیده نمی‌شود و در پروتکل دوم که به تکمیل مقرر مذکور از جمله راجع به اشخاص محروم از آزادی به دلایل مربوط به مخاصمات پرداخته است نیز مشخصاً دلایل و روال بازداشت و قواعد مربوط به انتقال بازداشت‌شدگان دقیقاً تبیین نشده است. ن.ک:

Rodenhäuser, Tilman, "Strengthening IHL Protecting Persons Deprived of Their Liberty: Main Aspects of the Consultations and Discussions Since 2011", *International Review of the Red Cross*, vol. 98, No. 903, December 2016, pp. 948-949. See also: ICRC, *Strengthening International Humanitarian Law Protecting Persons Deprived of Their Liberty*, Synthesis Report from Regional Consultations of Government Experts, ICRC, Geneva, November 2013.

و فرماندهی و شیوه رزمی و عملیاتی نامتقارن این گروه‌ها؛

- تفاوت آرمان‌ها، اهداف و مقاصد گروه‌های غیردولتی؛^{۷۲}
- «بین‌المللی‌شدن» بسیاری از مخاصمات داخلی در دوران اخیر؛
- منازعات درون دولت‌های فروپاشیده؛
- مشکلات آموزش و اطلاع از حقوق بشردوستانه؛^{۷۳}
- عدم تمایز اعضای گروه‌های مسلح غیردولتی از غیرنظامیان.^{۷۴}

علاوه بر موارد فوق، ممکن است عدم پذیرش جایگاه و امتیاز «رزمنده» بودن^{۷۵} برای جنگجویان گروه مسلح غیردولتی در مخاصمه غیربین‌المللی، باعث عدم انگیزه جدی این اشخاص برای پیروی از مقررات حقوق بشردوستانه تلقی شود.^{۷۶} همین امر، جنگجویان مذکور را در مسیر بی‌بازگشت و چرخه مرگ یا زندگی قرار می‌دهد که یا به پیروزی نائل می‌شوند و جان سالم به در می‌برند یا در صورت شکست، در قبال اتهاماتی مانند اقدام علیه امنیت کشور، قتل و مواردی از این دست با مجازات سنگین کیفری و حتی مرگ روبه‌رو خواهند شد. این در حالی است که «رزمنده»^{۷۷} بودن این امتیاز را خواهد داشت که فرد در صورت پیروی از قواعد و رسوم جنگ، به‌صرف مشارکت در جنگ با مجازاتی روبه‌رو نشود.

در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، برخی از آنچه در حقوق کیفری ملی جرم‌انگاری شده (به‌طور مشخص: قتل) در مورد رزمندگان، در چارچوب مقررات، مجاز شمرده شده است و در نتیجه به‌صرف مشارکت و انجام چنین اقدامات مجازی، قابل تعقیب و مجازات نخواهند بود. همچنین در صورت دستگیری، از وضعیت اسیر جنگی برخوردار خواهند بود. این دو امتیاز در مورد جنگجویان درگیر در مخاصمات غیربین‌المللی صدق نمی‌کند. ماده ۳ مشترک، «صدر و اجرای احکام را بدون حکم قبلی محکمه‌ای صالح، که تمام تضمینات قضایی اجتناب‌ناپذیر شناسایی شده در میان مردمان

۷۲. این مسئله در مورد تصاحب سرزمین یا حاکمیت، اهمیت بسزا و در تمایل آن‌ها بر پیروی از مقررات و حقوق بشردوستانه و کسب وجهه و مشروعیت، اثری تعیین‌کننده دارد.

73. Mack, *op. cit.*, pp. 3-4.

گفتنی است که ماده ۱۹ پروتکل دوم الحاقی به لزوم «انتشار هرچه بیشتر» مقررات حقوق بشردوستانه اشاره دارد. اما گروه‌های معارض در بسیاری موارد از حقوق و تکالیف خود بی‌خبرند. در واقع، ساختار ویژه برخی گروه‌های غیردولتی به جهت عدم انتظام و رابطه خاص اعضا با فرماندهی، فرصت این اطلاع را تا حد زیادی سد می‌کند.

74. Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, "Armed Non-State Actors and International Norms: Towards a Better Protection of Civilians in Armed Conflicts", Summary of Good Practice Discussed and Elaborated During an Expert Workshop in October 2010, February 2011.

75. The privilege of combatancy

76. Krefß, Claus and Mégret, Frédéric, "The Regulation of Non-international Armed Conflicts: Can a Privilege of Belligerency Be Envisioned in the Law of Non-international Armed Conflicts?", *International Review of the Red Cross*, vol. 96, No. 893, Spring 2014, p. 38.

77. Combatant

متمدن را لحاظ کرده باشد» منع کرده است. از این ماده نیز چنین برمی‌آید که دولت اختیار تعقیب شورشیان به جهت تمام اعمال خصمانه آن‌ها را داراست. در نتیجه، بیراه نیست اگر گفته شود که کفه تکالیف در برابر امتیازات معارضان غیردولتی در مخاصمات غیربین‌المللی کاملاً سنگینی می‌کند.^{۷۸}

۲-۳. راهکارهای ترویج و تقویت رعایت حقوق بشردوستانه توسط گروه‌های غیردولتی

هرچند رعایت حقوق بشردوستانه به‌خودی‌خود و در هر جا مطلوب است، راهکارهایی که برای تشویق و بالابردن امکان رعایت این حقوق توسط گروه‌های مسلح غیردولتی ارائه می‌شود، با مقاومت و اعتراض دولتی مواجه می‌شود که نگران مشروعیت‌زایی برای این گروه‌ها و تقویت جایگاه آنان و بالمآل، ادامه درگیری‌ها و افزایش خسارات هستند. این نگرانی پیشاپیش در اسناد حقوق بشردوستانه مورد توجه قرار گرفته است و بر این اساس گفته شده که التزام به این حقوق «بر وضعیت حقوقی طرف‌های درگیر تأثیری نخواهد داشت»^{۷۹} مجوزی برای مداخلات خارجی نبوده و مسئولیت دولت را در برقراری نظم و امنیت عمومی نفی نمی‌کند.^{۸۰}

همان‌طور که گفته شد، طرف‌های مخاصمه مسلحانه، از جمله گروه‌های مسلح فراملی ملزم به رعایت حقوق بشردوستانه هستند. اما گذشته از نوع مخاصمه و حقوق قابل اعمال، مسئله منشأ و دلیل الزام گروه‌های غیردولتی همچنان باقی است. چنان‌که این قواعد به‌طور کلی تکالیف گروه مسلح را با دولتی پیوند زده که با آن در پیکار است. بنابراین، چنانچه بتوان امکان و تمهیدات التزام مستقل و خودخواسته این گروه‌ها نسبت به حقوق بشردوستانه را فراهم آورد، راهکاری کارآمدتر در جهت رعایت این حقوق خواهد بود. یکی از این راه‌ها همان است که در ماده ۳ مشترک تعبیه شده است. این ماده طرف‌های مخاصمه را «از طریق توافقنامه‌هایی خاص به التزام نسبت به تمام یا پاره‌ای از دیگر مقررات (حقوق بشردوستانه [علاوه بر ماده ۳ مشترک])» تشویق کرده است.^{۸۱} این‌گونه توافقنامه‌ها را می‌توان در جریان مخاصمات یوگسلاوی سابق، سودان، کنگو و سیرالئون مشاهده کرد.

78. For more information See: "Transnational and Non-State Armed Groups Project", at: www.tagsproject.org

۷۹. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو.

۸۰. ن.ک: ماده ۳ پروتکل دوم الحاقی.

۸۱. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو به چنین «موافقت‌نامه‌هایی» توجه نشان داده است، آنجا که «طرف‌های مخاصمه را [...]»

به تضمین اجرای تمام یا بخشی از دیگر مقررات کنوانسیون حاضر از طریق توافقنامه‌هایی خاص» تشویق کرده است. ن.ک:

Bongard, Pascal and Somer, Jonathan, "Monitoring Armed Non-State Actor Compliance with Humanitarian Norms: A Look at International Mechanisms and the Geneva Call Deed of Commitment", *International Review of the Red Cross*, vol. 93, No. 883, September 2011, p. 680.

طریق دیگر برای تحکیم پایبندی گروه‌های مسلح، صدور اعلامیه از جانب این گروه‌ها مبنی بر التزام به حقوق مخاصمات غیربین‌المللی است که اصولاً ملزم به رعایت آن هستند.^{۸۲} «فراخوان ژنو» شاهد کارآمدی نسبی این سازوکار است که با استقبال قابل توجه گروه‌های غیردولتی مواجه شده است. از طریق این سازوکار ۴۱ گروه غیردولتی التزام خود را به ممنوعیت مین‌های ضد نفر ابراز داشته‌اند.^{۸۳} در واقع، در مورد گروه‌های مسلح غیردولتی به‌عنوان یکی از مصادیق کنش‌گران غیر از دولت‌ها، نه می‌توان دیدگاه کلاسیک دولت‌مدار^{۸۴} در حوزه هنجارسازی بین‌المللی را پذیرفت و نه می‌توان این بازیگران غیردولتی را در جایگاهی برابر با دولت‌ها در عرصه هنجارسازی و تضمین و استیفای حقوق بین‌الملل قرار داد. فرصت‌سازی و گشودن عرصه برای این کنش‌گران که بتوانند تعهدات بین‌المللی موجود را پذیرفته یا به تعهداتی جدید (چه از طریق صدور اعلامیه‌های یک‌جانبه و چه از طریق توافق و پیمان با دولت‌ها) ملتزم شوند، راهی میانه است که اینها از انفعال به‌درآمده و در عین حال، به‌طور محدودتری نسبت به دولت‌ها نقش‌آفرینی داشته باشند.^{۸۵}

مسئولیت در قبال نقض حقوق مخاصمات نیز مسئله‌ای مهم و درخور تأمل است. هرچند نه ماده ۳ مشترک و نه پروتکل دوم، مقرره‌ای در خصوص مسئولیت کیفری نقض حقوق بشردوستانه در خلال مخاصمه داخلی نداشته، دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، جنایات فاحش ارتكابی در مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی را نیز جرم بین‌المللی تلقی کرده است. در نتیجه، در زمان محاکمه فردی که متهم به ارتكاب جنایتی بین‌المللی در مخاصمه غیربین‌المللی شده است، از قواعد راجع به مخاصمات بین‌المللی وام گرفته می‌شود.^{۸۶} بنابراین، این مقرره فارغ از علت و شخصیت طرف متخاصم، در صورت حصول شرایط اجرا می‌شود. البته نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو تنها به مسئولیت فردی، و نه گروهی عاملان آن جنایات اشاره دارد^{۸۷} و

82. Mack, *op. cit.*, p. 5.

83. See: www.genevacall.org/home.htm. See also: *Resolution on Measures to Promote Commitments by Non-State Actors to a Total Ban on Anti-Personnel Landmines*, OSCE P.A., *Thirteenth Annual Session*, Edinburgh Declaration, 2004. For more information see: Bongard and Somer, *op. cit.*, pp. 673-706.

84. در این رهیافت که در رأی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه *لوتوس* نیز نمود یافته است، حقوق بین‌الملل ساخته و پرداخته و تحت‌الشعاع آزادی و حاکمیت اراده دولت‌هاست. ن.ک:

Roberts, Anthea and Sivakumaran, Sandesh, "Lawmaking by Nonstate Actors: Engaging Armed Groups in the Creation of International Humanitarian Law", *Yale Journal of International Law*, vol. 37, Issue 1, 2012, pp. 111-112.

85. *Ibid.*, p. 152.

86. Jadarjan, Dayana, *International Humanitarian Law's Applicability to Armed Non-State Actors*, Graduate Paper, University of Stockholm, 2007, p. 43.

87. See: *e.g.* Article 49 of the First Geneva Convention 1949.

صلاحیت محاکم کیفری بین‌المللی نیز شامل افراد است.^{۸۸}

مسئولیت جمعی گروه مسلح به سبب نقض حقوق بشردوستانه، هرچند در عالم نظر و دکترین قابل قبول می‌نماید، در رویه با اقبالی مواجه نشده است. چنان‌که اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری گواهی بر این امر است. البته مقررات مندرج در اساسنامه محاکم کیفری بین‌المللی مانند دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق^{۸۹} و اساسنامه رُم^{۹۰} در مورد مسئولیت کیفری فردی به سبب جرائمی که در چارچوب عملیات و تهاجمی جمعی صورت می‌گیرد، از حیث عملی می‌تواند آثاری مشابه مسئولیت جمعی از خود به‌جای بگذارد. شایان ذکر است که در وضعیتی خاص، مسئولیت بین‌المللی گروه‌های مسلح (شورشیان) به جهت نقض حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشردوستانه قابل طرح است و این امر در پیش‌نویس مواد راجع به مسئولیت دولت نمودار شده است^{۹۱} و آن در صورت چیره‌شدن گروه شورشی بر حکومت متعارض و به‌قدرت‌رسیدن آن گروه است. در واقع، تحقق این مسئولیت بین‌المللی، تابعی از احراز شخصیت بین‌المللی است که استثنائاً در این وضعیت، حالتی قهقرایی و عطف به ماسبق می‌یابد. به هر حال، وضع تحریم‌های بین‌المللی به‌ویژه توسط شورای امنیت می‌تواند نشان از محکومیت بین‌المللی گروه تلقی شود و بر هزینه‌های رفتار خلاف آن گروه بیفزاید.^{۹۲}

گروه‌های مسلحی که عواقب و مجازات سنگین را به‌صرف مشارکت در مخاصمه، دور از انتظار ندارند، انگیزه چندانی برای پیروی از مقررات حقوق بشردوستانه احساس نمی‌کنند. اعطای عفو به آن‌ها (به‌جهت مشارکت در مخاصمه) می‌تواند به‌منزله مشوقی برای رعایت حقوق بشردوستانه از سوی معارضان غیردولتی در نظر گرفته شود. این راهکار در اسناد حقوق بشردوستانه نیز توصیه و تأکید شده است.^{۹۳} البته پیداست که این امر شامل جنایات بین‌المللی از قبیل جرایم جنگی و جنایات

88. See: *e.g.* Article 25 of the ICC Statute (referring to natural persons); Article 6 of the Charter of the International Military Tribunal (Nuremberg Charter) (referring to 'individuals' and 'members of organizations').

89. See: International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, Judgement, *Tadic*, Appeals Chamber, July 15, 1999, paras. 185-233.

90. Art. 25 (3)(d) of the *Rome Statute of the International Criminal Court*, July 17, 1998, U.N. Doc. A/CONF.183/9.

91. *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*, in United Nations, International Law Commission, *Report on the Work of its Fifty-third Session (2001)*, UN doc. A/56/10, Article 10, p. 118

92. See: Security Council Resolutions 1127 (1997), 1173 (1998), and 1221 (1999) (concerning UNITA), 942 (1994) (concerning the Republika Srpska), 1171 (1998) (concerning rebels in Sierra Leone), and Resolution 792 (1992) (concerning the Khmer Rouge).

۹۳. بند ۵ ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی: «در پایان درگیری‌ها، مقامات صلاحیت‌دار مساعی خود را برای اعطای هرچه بیشتر (تا آخرین حد امکان) عفو به اشخاصی که در مخاصمه مسلحانه مشارکت داشته‌اند، یا آزادی خود را به دلایل مرتبط با مخاصمه مسلحانه از دست داده‌اند، اعم از آنکه دستگیر یا بازداشت شده باشند، به کار می‌گیرند».

ضد بشریت نخواهد شد^{۹۴} چرا که چنین تمهیدی نقض غرض خواهد بود.

نتیجه

حقوق بشردوستانه بین‌المللی همانند دیگر نظام‌های هنجاری نمی‌تواند نسبت به تحولات جامعه‌ای که در صدد انتظام‌بخشیدن بدان است بی‌تفاوت باشد؛ بلکه کارایی هرچه بیشتر آن در گرو آن است که برآیند تحولات جامعه‌ای باشد که در آن جریان دارد. حقوق بشردوستانه، نظام حقوقی واقعیت‌محور است و به‌عنوان اصلی کلی، توجه خود را از ارزش‌گذاری یا ارزیابی ارزشی اهداف طرف‌های درگیر در مخاصمه برداشته است و قواعد و الزامات خود را متوجه هر نوع درگیری کرده است که بتواند عنوان «مخاصمه» بیابد. چنان‌که ماده ۳ مشترک به بی‌اثر بودن اجرای این مقررات در وضعیت حقوقی طرف‌های درگیر تصریح کرده است. هرچند بسیاری از دولت‌ها به تصور اینکه قبول این مقررره در مقابله با گروه‌های تروریستی می‌تواند قهراً و عملاً به آن‌ها مشروعیت ببخشد، در این خصوص مقاومت‌هایی از خود نشان می‌دهند.

به هر حال، تزییقات خاص حقوق موضوعه، دامن‌گیر بسط و ترویج حقوق بشردوستانه است. معاهداتی‌بودن بسیاری از این مقررات و حمایت‌ها از طرفی، با محدودیت اصل نسبی بودن قراردادها مواجه می‌شود و از طرف دیگر، عدم امکان طرفیت گروه‌های غیردولتی در معاهدات بین‌المللی، این محدودیت را مضاعف می‌کند. به‌علاوه، مبنای این مقررات نسبتاً قدیمی، مرزهای بین‌المللی یا قلمروهای تحت حاکمیت دولت‌هاست، که همین امر توصیف درگیری‌های فرامرزی این بازیگران و مآلاً، تعیین حقوق قابل اعمال و واکنش‌های کشورهای خارجی در قلمرو دیگر کشورها را با مشکل مواجه می‌کند.

برخی حقوق‌دانان صرفاً با توجه به شخصیت طرف‌های درگیر در مخاصمه، نوع مخاصمه را توصیف کرده‌اند و بر این اساس، مخاصمات درگرفته میان دولت و گروه مسلح غیردولتی را غیربین‌المللی قلمداد کرده‌اند. حقوق مخاصمات غیربین‌المللی به‌طور سنتی داخلی فرض شده، نقش حاکمیت دولت در آن بسیار پررنگ و اساسی است و از این‌رو با مخاصمات مورد بحث نامتناسب می‌نماید زیرا در جایی که دولت در قلمرو سرزمینی دیگر علیه گروهی غیردولتی به اقدامات نظامی مبادرت می‌کند نمی‌تواند با آسودگی خاطر از حاکمیت خود سخن براند. برخی دیگر، از ساکت بودن یا عدم کفایت حقوق مخاصمات مسلحانه نسبت به مخاصمات فراسرزمینی دولت با گروهی غیردولتی که درون قلمرو دولتی خارجی روی می‌دهد سخن گفته‌اند. می‌توان این رویکرد را به دو صورت تأویل کرد: اینکه حقوق فعلی از اساس پاسخگوی چالش درگیری‌های گروه‌های فراملی

۹۴. دوسوالد - بک، لوئیس؛ «اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی در جنگ‌های آینده»، ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۴، بهار ۱۳۸۰، صص ۱۳۱-۱۳۰.

نیست یا اینکه تا حدی اعمال می‌شود اما تکافوی وضعیت موجود را نمی‌دهد.^{۹۵} بدیهی است که حتی در مواردی که این درگیری‌ها به دلیل نداشتن ملزومات مخاصمه مسلحانه از پرتو حمایت حقوق بشردوستانه (حقوق خاص) محروم می‌شوند، به این معنا نیست که دیگر رژیم‌های حقوقی مانند حقوق بشر (حقوق عام) و قوانین داخلی و بین‌المللی راجع به دادرسی‌های کیفری قابل اجرا نباشند. توجه به شرط مارتنس نیز می‌تواند تا حدودی کاستی‌ها یا خلأهای حقوق موجود را از میان بردارد. پاره‌ای دیگر از نویسندگان، این عملیات را به مثابه تهدید علیه حاکمیت و تمامیت سرزمینی دولت محل منازعه قلمداد کرده و از این بابت به بین‌المللی بودن این مخاصمه حکم کرده‌اند. البته از آنجا که قبول این امر در عمل با مشکلاتی مواجه است، بعضی‌ها اصول اولیه حقوق مخاصمات بین‌المللی نظیر مصونیت از تعقیب رزمندگان به جهت صرف مشارکت در مخاصمه یا حق اسارت جنگی این رزمندگان را در مورد اعضای گروه‌های مسلح فراملی نفی کرده‌اند که در جای خود قویاً قابل انتقاد است.

در مرحله بعد، یعنی در مقام اجرا، به جهت هویت و ماهیت خاص بازیگران غیردولتی و البته تفاوت‌های انگیزشی، راهبردی و تاکتیکی میان این گروه‌ها، اجرای حقوق بشردوستانه چندان ساده نخواهد بود. بدیهی است که چنین وضعیتی به هیچ وجه نمی‌تواند به معنای بی‌قیدوبندی طرف‌های درگیر در این منازعات تلقی شود. بررسی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ حاکی از آن است که بسیاری قواعد عرفی بشردوستانه، فارغ از نوع مخاصمه، در همه مخاصمات اعمال می‌شود. در این میان نباید نقش قواعد عرفی را کم‌اهمیت پنداشت. همچنین حقوق بشر به منزله حقوقی عام در تمام وضعیت‌ها قابل اجراست و هرگاه حقوق خاص (حقوق بشردوستانه) تعهدی خاص نداشته باشد، دستاویزی برای سرباززدن از اعمال حقوق بشر وجود نخواهد داشت. به علاوه برخی از قواعد بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی از تضمینات قواعد آمره نیز برخوردار شده‌اند و نقض پاره‌ای از آن‌ها جنایت بین‌المللی تلقی شده است. حقوق کیفری بین‌المللی و اعمال آن توسط دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز در همین راستا، راه گسترش و توسعه حقوق بشردوستانه و به‌ویژه حقوق مخاصمات غیربین‌المللی را هموارتر کرده است.^{۹۶}

پایان سخن آنکه می‌توان با توجه به ماهیت حقوق بشردوستانه، تکیه و تأکید فراوان بر عنصر دولت را ناروا دانست. ضمن آنکه علت وجودی این مقررات، لزوم ارائه تعریفی واحد از مخاصمه مسلحانه به عنوان مبنای برقراری مقررات حقوق بشردوستانه را پیش می‌کشد. در این حالت، برای اجرای حقوق بشردوستانه نیازی به یافتن کلاف سردرگم مداخله دولت‌ها و احراز کنترل مؤثر آن‌ها بر اعمال خصمانه باقی نمی‌ماند. به نظر می‌رسد که اجمال، ابهام یا عدم شفافیت در کارزار دولت‌ها

95. Sassòli, *op. cit.*, p. 20.

96. Sivakumaran, *op. cit.*, p. 385.

و گروه‌های مسلح فراملی و به‌طور خاص، گروه‌هایی که تروریستی قلمداد می‌شوند، زمینه‌ساز تخلفات بسیاری در عرصه بین‌المللی شده و به نقض گسترده حاکمیت دولت‌های محل مخاصمه و نقض جدی حقوق بشری افراد انجامیده است. همین امر، ضرورت توسعه یا دست‌کم تبیین و تدوین حقوق موجود را در این چارچوب نمایان می‌سازد.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

- شفیع بافتی، نگین و سیدعلی هنجنی؛ *ابعاد حقوقی بین‌المللی مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی*، میزان، ۱۳۹۲.
- ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجریان؛ *حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مخاصمات مسلحانه داخلی*، میزان، ۱۳۸۴.

- مقاله

- توکلی طوسی، علی؛ منصوری، فرنگیس؛ «تعهد و التزام متخاصمین به قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمه داخلی سوریه»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
- دوسوالد - بک، لوئیس؛ «اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی در جنگ‌های آینده»، ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی، *مجله سیاست دفاعی*، شماره ۳۴، بهار ۱۳۸۰.

ب. انگلیسی

- Books

- Cassese, Antonio, *International Law*, Oxford University Press, 2nd ed., 2005.
- Jadarian, Dayana, *International Humanitarian Law's Applicability to Armed Non-State Actors*, Graduate Paper, University of Stockholm, 2007.
- Henckaerts, Jean-Marie and Doswald-Beck, Louise (eds.), *Customary International Humanitarian Law*, ICRC and Cambridge University Press, vol. I, 2005, reprint: 2009.
- Pictet, Jean S. (ed.), *The Geneva Conventions of 12 August 1949: Commentary, Fourth Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War*, Geneva, ICRC, 1958.

- Articles

- Akande, Dapo, "Are Extraterritorial Armed Conflicts with Non-State Groups International or Non-International?", at: <http://www.ejiltalk.org/are-extraterritorial-armed-conflicts-with-non-state-groups-international-or-non-international> (Published on October 18, 2011).
- Bellal, Annysa; Giacca, Gilles and Casey-Maslen, Stuart, "International Law and Armed Non-State Actors in Afghanistan", *International Review of the Red Cross*, vol. 93, No. 881, March 2011.

- Bongard, Pascal and Somer, Jonathan, “Monitoring Armed Non-State Actor Compliance with Humanitarian Norms: a Look at International Mechanisms and the Geneva Call Deed of Commitment”, *International Review of the Red Cross*, vol. 93, No. 883, September 2011.
- Cordula, Droege, “The Interplay between International Humanitarian Law and International Human Rights Law in Situations of Armed Conflict”, *The Hebrew University of Jerusalem*, Research Paper No. 14-07, December 2007.
- Green, Leslie C., *The Contemporary Law of Armed Conflict*, Manchester University Press, 2000.
- Kreß, Claus and Mégret, Frédéric, “The Regulation of Non-international Armed Conflicts: Can a Privilege of Belligerency Be Envisioned in the Law of Non-international Armed Conflicts?”, *International Review of the Red Cross*, vol. 96, No. 893, Spring 2014.
- Mack, Michelle L., “Compliance with International Humanitarian Law by Non-state Actors in Non-international Armed Conflicts”, Program on Humanitarian Policy and Conflict Research, Harvard University, Working Paper, November 2003. Available at: <https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/AC6DF550A5938F42C12571D4004A6AF1-Harvard-Nov2003.pdf>
- Roberts, Anthea and Sivakumaran, Sandesh, “Lawmaking by Non-state Actors: Engaging Armed Groups in the Creation of International Humanitarian Law”, *Yale Journal of International Law*, vol. 37, Issue 1, 2012.
- Rodenhäuser, Tilman, “Strengthening IHL Protecting Persons Deprived of Their Liberty: Main Aspects of the Consultations and Discussions Since 2011”, *International Review of the Red Cross*, vol. 98, No. 903, December 2016.
- Ryngaert, Cedric, “Non-State Actors and International Humanitarian Law”, Katholieke Universiteit Leuven, *The Institute for International Law, Working Paper*, 2008.
- Sassòli, Marco, “Transnational Armed Groups and International Humanitarian Law”, *Program on Humanitarian Policy and Conflict Research*, Harvard University, *Occasional Paper Series*, No. 6, Winter 2006.
- Sivakumaran, S., “Binding Armed Opposition Groups”, *International and Comparative Law Quarterly*, vol. 55, 2006.

- Cases and Materials

- *A v. the State of Israel*, Supreme Court of Israel, CrimA 6659/06, 1757/07, 8228/07, 3261/08, 11 June 2008.
- African Union, *African Union Convention for the Protection and Assistance of Internally Displaced Persons in Africa (“Kampala Convention”)*, 22 October 2009.

- *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*, in United Nations, International Law Commission, *Report on the Work of its Fifty-third Session* (2001), UN Doc. A/56/10.
- Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, “Armed Non-State Actors and International Norms: Towards a Better Protection of Civilians in Armed Conflicts”, Summary of Good Practice Discussed and Elaborated During an Expert Workshop in October 2010, February 2011.
- Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, “Human Rights Obligations of Armed Non-State Actors: An Exploration of the Practice of the UN Human Rights Council”, *ACADEMY IN-BRIEF*, No. 7, Geneva, December 2016.
- *Hamdan v. Rumsfeld, Secretary of Defense, et al.*, 548 U.S. 557 (2006), US Supreme Court, 2006. at: <http://www.supremecourtus.gov/opinions/05pdf/05-184.pdf> (last visited on 12 June 2009). (“*Hamdan case*”)
- Human Rights Committee, *General Comment No. 29: States of Emergency (Article 4)*, UN Doc. CCPR/C/21/Rev.1/Add.11, 31 August 2001.
- ICRC, *Commentary on the First Geneva Convention*, 2nd ed., Cambridge University Press, 2016.
- ICRC, *Strengthening International Humanitarian Law Protecting Persons Deprived of Their Liberty*, Synthesis Report from Regional Consultations of Government Experts, ICRC, Geneva, November 2013.
- International Commission of Inquiry on Darfur, *Report of the International Commission of Inquiry on Darfur to the United Nations Secretary-General*, Geneva, 25 January 2005.
- International Court of Justice (ICJ), *Military and Paramilitary Activities (Nicaragua/United States of America)*, Merits, I.C.J. Reports 1986.
- International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR), *Prosecutor v. Akayesu*, Case No. ICTR-96-4-T, Judgment, 2 September 1998.
- International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), *Prosecutor v. Delalic*, Case No. IT-96-21-T, Judgment, 16 November, 1998.
- International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), *Prosecutor v. Boškoski, et al*, ICTY Case No. IT-04-82-T, Judgement (Trial Chamber), 10 July 2008.
- International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), *Prosecutor v. Tadić*, ICTY Case No. IT-94-1, Decision on the Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, Appeals Chamber, 2 October 1995.
- International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), *Prosecutor v. Tadić*, ICTY Case No. IT-94-1, Judgement (Trial Chamber), 7 May 1997.
- International Law Association, Use of Force Committee, “Final Report on the Meaning of Armed Conflict in International Law”, 2010. Available at:

www.rulac.org/assets/downloads/ILA_report_armed_conflict_2010.pdf.

- *Report of the Commission of Inquiry on Lebanon Pursuant to Human Rights Council Resolution S-2/1*, UN Doc. A/HRC/3/2 (2006).
- *Reservation by the United Kingdom to Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 (Protocol I)*, 2 July, 2002, available at: <http://www.icrc.org/ihl.nsf/NORM/0A9E03F0F2EE757CC1256402003FB6D2?OpenDocument>.
- *Resolution on Measures to Promote Commitments by Non-State Actors to a Total Ban on Anti-Personnel Landmines*, OSCE P.A., Thirteenth Annual Session, Edinburgh Declaration, 2004.
- Sandoz, Yves; Swinarski, Christophe; Zimmermann, Bruno (eds), *Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949*, ICRC, Geneva/Martinus Nijhoff Publishers, Dordrecht, 1987. (“ICRC Commentary”).
- Special Court for Sierra Leone, *Prosecutor v. Sam Hinga Norman*, Case No. SCSL-2004-14-AR72(E), Decision on Preliminary Motion Based on Lack of Jurisdiction (Child Recruitment), 31 May, 2004.
- Supreme Court of Israel, *Public Committee against Torture in Israel v. Government of Israel*, HCJ 769/02, 11 December, 2005. (“Targeted Killings Judgement”).
- “Transnational and Non-State Armed Groups Project”, at: www.tagsproject.org.
- The Counter-Terrorism Committee Executive Directorate (CTED), compilation of three reports (S/2015/338; S/2015/683; S/2015/975): *Implementation of Security Council resolution 2178 (2014) by States affected by foreign terrorist fighters*, 2015.
- *The Guardian*, 16 August 2010, at: <http://www.guardian.co.uk/world/2010/aug/16/talibanafghan-civilian-deaths-nato-un> (last visited 18 January 2011).
- *The Rome Statute of the International Criminal Court*, July 17, 1998, U.N. Doc. A/CONF.183/9.
- UN Security Council, *Security Council resolution 1127 (1997) [Angola]*, 28 August, 1997, S/RES/1127 (1997).
- UN Security Council, *Security Council resolution 1171 (1998) [Sierra Leone]*, 5 June, 1998, S/RES/1171 (1998).
- UN Security Council, *Security Council resolution 1173 (1998) [Angola]*, 12 June, 1998, S/RES/1173 (1998).
- UN Security Council, *Security Council resolution 1221 (1999) [Angola]*, 12 January, 1999, S/RES/1221 (1999).
- UN Security Council, *Security Council resolution 2178 (2014) [on threats to international peace and security caused by foreign terrorist fighters]*, 24 September 2014, S/RES/2178 (2014).

-
- UN Security Council, *Security Council resolution 792 (1992) [Cambodia]*, 30 November, 1992, S/RES/792 (1992).
 - UN Security Council, *Security Council resolution 942 (1994) [Bosnia and Herzegovina]*, 23 September, 1994, S/RES/942 (1994).
 - www.genevacall.org/home.htm